

گفت‌وگو
حسن فرامرزی

حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدباقر جلالی‌شاهکوه، فعالیت فرهنگی‌اش را سال۱۳۷۹از سازمان زندان‌ها شروع می‌کند و در ادامه کارش به کاشان، بندر ترکمن و نقاط دیگر می‌رسد. او را می‌توان در زمره مدیران عمل‌گرا دانست. وی چند وقتی مدیرعامل مجمع ملی خیرین ازدواج به یکی از مهم‌ترین گرهای اجتماعی و خانوادگی جامعه ایران می‌پردازد. گفت‌وگوی ما با او علاوه بر اینکه به جزئیات مشی و فعالیت این مجمع می‌پردازد، از خلال ورود به بحث ازدواج به آسیب‌های اجتماعی و چالش‌هایی که بر سر راه مر تفع کردن این چالش‌ها به ویژه از رهگذر فعالیت نهادهای دولتی و واسطه‌ای وجود دارد، می‌پردازد. ■ ■ ■

مجمع ملی خیرین ازدواج نهادی خصوصی است؟

بله، از تباط مجمع ملی خیرین ازدواج جوانان با نهادها مثل ارتباط خیرین مدرسه‌ساز است با آموزش‌وپرورش یا خیرین مسکن‌ساز با وزارت مسکن یا خیرین سلامت با وزارت بهداشت. می‌دانید که چند سال است وزارت ورزش و جوانان به یک معنا متصدی از دواج هم شده و طبیعتاً مؤسسات و خیرین ازدواج در پیوند با این وزارت قرار می‌گیرند. چهار سال قبل در زمان آقای تندگویان، جلسه‌ای در وزارت ورزش در این باره تشکیل شد و مار سما سال قبل توانستیم مجوز مجمع ملی ازدواج جوانان را از وزارت کشور و اداره ثبت بگیریم تا بتوانیم در سطح ملی کار کنیم. اولین کاری که انجام دادیم، توانستیم در سطح مجوز فعالیت بگیریم؛ شعب استانی با مجوز مستقل از استانداری استان، ما برای بسیاری از استان‌ها نمایندگی دادیم و زنجیره ما در ۲۰ تا ۲۵ استان تکمیل شد.

نهادهایی مثل شما در این سطح درباره ازدواج فعال هستند؟

نهادهای ملی در بحث ازدواج جوانان بسیار کم هستند؛ اینکه پوشش ملی داشته باشند. لاف‌لا با این نام و به صورت رسمی فقط ما هستیم.

درباره ازدواج چه خدماتی ارائه می‌کنید؟
خدمات ما از دفتر عقد شروع می‌شود تا ماه عسل، از آرایشگاه و خدمات عروسی تا هتل و تالار. بسته به مورد زوج‌هایی داریم که بخشی از این خدمات را دریافت می‌کنند و البته بخش زیادی از زوج‌ها همه خدمات را دریافت می‌کنند.

جهیز به چطور؟
مهم‌ترین و بره‌زین‌ترین خدمت ماست، ما هزینه بالایی بابت جهیز به پرداخت می‌کنیم و اگر خیرین ما نباشند، ارائه این خدمت سنگین امکانپذیر نیست. از طرفی توجه کنید شما یک بسته غذایی را می‌خواهید به کسی بدهید، می‌شود یک‌میلیون تومان و اگر هزار بسته غذایی بدهید، تحسین فوق‌العاده‌ای پشت سرشان خواهد بود و اسم بزرگ و جنبه تبلیغاتی وسیعی هم دارد اما اگر همین مبلغ را بخواهید به جهیز به اختصاص دهید، می‌شود ۲۰جهیز به.

ان تأمین جهیز به برای شما چه هزینه‌ای دارد؟

از ۲۵ تا ۱۰۰ میلیون، بسته به اقلیم استانی و ورود خیرین، زوجین و نهادهایی که حضور دارند.
چه زوج‌هایی با چه شرایطی این خدمات را دریافت می‌کنند؟
ما اداره تحقیق داریم و شرط ما اضعف افراد جامعه است، یعنی حتی ضغفا را هم در نظر نمی‌گیریم، چون به تعداد کمی از افراد می‌توانیم خدمات بدهیم. از ابتدای سال توانستیم به ۱۳زوج خدمات جهیز به بدهیم و اگر تمام خدمات را در نظر بگیریم، توانسته‌ایم به ۱۰هزار زوج خدمات بدهیم. الان یکی از بهترین آرایشگاه‌ها در تهران اعلام کرده که با هزینه پایین با ما همکاری می‌کند. در این مدت خیلی از خیرین اعلام آمادگی کرده‌اند که ما حاضریم خدماتی ارائه کنیم.

پس شما به دو تشکیل کار می‌کنید: جذب منابع مالی و جذب خدمات.
بله، ما هم اهدای مبلغ نقدی داریم و هم اهدای تخصص. طرف تالار‌ش را در اختیار ما قرار می‌دهد. در مشهد کسی اعلام کرد من حاضرم فقط ۳۰درصد مبلغ عقد را از زوجین بگیرم.

جذب منابع مالی تان چطور است؟
سال‌های قبل به خاطر کرونا خیلی قوی نبود، به خاطر همه‌گیری کرونا خودبه‌خود کاسبی‌ها و درآمدها کاهش پیدا کرده بود، اما امسال خدا را شکر بهتر از سال‌های قبل است.

آیا می‌شود عددی اعلام کرد؟
ما در این مدت افزون بر چندده‌میلیارد تومان منابع دریافت کرده‌ایم، ولی خدمات بسیار بیشتر از این منابع است.
بودجه‌ای از وزارت ورزش گرفته‌اید؟
متأسفانه هیچ نهاد دولتی یک ریال هم به ما کمک نکرده است. بنا بر این بود که وزارت ورزش متصدی این کار شود ولی در عمل همکاری نکرد اما خانم خزعلی، معاونت زنان رئیس‌جمهوری همکاری اداری عالی داشته‌اند.

چه همکاری‌ای؟
مثلاً وقتی ما در یک استان برچندده‌میلیارد تومان منابع دریافت می‌کنند. در این مدت خیلی به ما کمک کرده‌اند و امکان دارد به طرح‌های مشترک هم برسیم.

اصلاً چرا به این داستان ورود کردید؟
ازدواج یکی از دغدغه‌های امروز نظام، رهبری و دین ماست و تبلیغات دشمن برخلاف این دغدغه‌ها در جهت معکوس انجام می‌شود، برای اطلاع سن ازدواج، بهانه‌های مختلفی هم برایش تراشیده می‌شود. طرف حاضر است سگ نگه دارد اما بچه‌دار نشود. مطالبه فرزندآوری و رهبری بدون ازدواج که شدنی نیست، بنابراین ما تصمیم گرفتیم بنا به نیاز وارد این بازی شوییم. راه همواری پیش پای ما نبوده است اما از آنچه اتفاق افتاده راضی هستیم. در برخی از استان‌های جنوبی به قدری وضعیت بفرع است که در مخیله کسی نمی‌گنجد، ما هم می‌توانستیم مثل خیلی از آقایان سراسر کار دولتی برویم، البته من در کار دولتی و رئیس سازمان تبلیغات یکی از شهرستان‌ها بودم، منتها

تصمیم گرفتیم به همراه گروهی از اعضای هیئت مدیره و خیرینی که مخصوصاً در تهران وجود دارد، در بحث ازدواج فعالیت کنیم.

بحث‌های فرهنگی و روانی مرتبط با ازدواج را چطور پیش می‌برید؟

در تبلیغ ازدواج کار فرهنگی انجام می‌دهیم، یعنی هم کار ستادی و هم کار صف هر دو را انجام می‌دهیم. خوشبختانه در این مدت کارهای موقفی هم انجام شده است. غیر از جشنواره‌ها در کل کشور در بحث مشاوره‌های روان‌شناختی ورود کرده‌ایم. ان‌شاءالله به زودی خبر ساخت یک مجتمع اقامتی در مشهد را خواهیم داد که بتوانیم به زوجین بی‌ضاعت خدمات ارائه کنیم.

خواه‌ناخواه در این راه با آسیب‌های اجتماعی هم رانده‌نشی می‌کنید.

ما در کرمان زوجینی داشتیم که اولین بار بود که مشهد می‌رفتند. در برخی از استان‌ها مثلاً جنوب استان کرمان و سیستان وبلوچستان وضعیت به قدری بفرع است که کلمات نمی‌توانند آن حد از محرومیت را منتقل کنند.
برایم جالب است که یک روحانی از موضع خطابه می‌آید یا بین و با چشم خود با محرومیت‌ها روبرو می‌شود و برای شان چاره‌اندیشی می‌کنند.

من هر جا که نگاه مقام معظم رهبری برای ارائه خدمات بود، جلو رفتم و خوشبختانه سعی کرده‌ام این خصوصیت را در خود پیدا کنم. ۴روز تمام در سیل آق قلا با یک تراکتور فعالیت می‌کردم. تراکتور را هم خودم اجازه کرده بودم و هیچ نهادی نمی‌تواند بگوید من تراکتور داده بودم. در بحث سوریه به محض اینکه احساس نیاز شد، خط مقدم بودم نه به عنوان مبلغ که به عنوان رزمند. به خاطر خطراتی که وجود داشت، نمی‌توانستم ملین باشم. بعد از بحث سوریه آمدم برای سازمان تبلیغات شروع به فعالیت کردم و در بحث تبلیغی هم صداوسیما مستندی از ما تهیه کرد که ۶بار از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد؛ مستند «سفیران گمنام» که به انعکاس فعالیت‌های عام‌المنفعه روحانیون - ۲۰روحانی در کشور- می‌پرداخت، یکی هم بنده بودم.

با این همه کار و تجربه به چه در یافتی از بحث خانواده و ازدواج رسیده‌اید؟

امروز در این حوزه فکر می‌کنم ما دچار استحاله فرهنگی شده‌ایم. این را به خرس قاطع می‌گویم که ازدواج و تشکیل خانواده در کشور درست است که ابعاد اقتصادی دارد اما داستان فراتر از مؤلفه‌های اقتصادی است. ما با استحاله فرهنگی روبرو شده‌ایم.

این استحاله فرهنگی را قدری بیشتر باز می‌کنید؟

چرا ما به یک فرزند قانع شده‌ایم، خوب پشت این تفکات درونی و اعتقادی برای ما افتاده است. همین طور که نمی‌شود. خیلی از ما به ازدواج نکردن قانع شده‌ایم. یکی از مشکلات امروز جامعه ما عدم ازدواج دهه شصتی هاست. ۴۰سال از عمر دختر یا پسر گذشته اما هنوز ازدواج نکرده است. چیزی که سابق به عنوان ننگ شناخته می‌شد، اگر امروز افتخار نباشد، به عنوان یک نقطه منفی نیست.

شما با این افراد نشست و برخاست می‌کنید؟ منظورم این است که بیشتر به صدای واقعی این افراد گوش می‌دهید، بدون اینکه بخواهید آنها را به خاطر نگرش‌شان محکوم کنید؟

با خیلی از افرادی که این حالت را دارند روبرو شده‌ام. با تمام معضلات مربوط به ازدواج در جامعه مواجه شده‌ایم. با ازدواج‌نکردن، با کودک‌همسری، کودک‌سادی، با تفاوت سن خیلی زیاد زوجین، با تمام این مسائل به عینه

برخورد کرده‌ایم. من اخیراً در یکی از برنامه‌ها به صورت لباس شخصی در ماشین تعدادی از زوجین نشستم. این ماشین می‌خواست زوجین را به محل برنامه بیاورد. آنها مرا نمی‌شناختند و فکر می‌کردند من یکی از آنها هستم. آنجا مثلاً زوجی دیدم که اگر در بیرون می‌دیدم، می‌گفتم آنها پدر و دختر هستند، یعنی این همه اختلاف سنی.

واکنش عاطفی تان به این پدیده‌ها چیست؟
بسیار بر من سخت می‌گذرد. ما ناخواسته متصدی این کار شده‌ایم و واقعاً هم بنیائست همه مشکلات را حل کنیم، اما گاهی فشار روحی عجیبی را تحمل می‌کنیم.

چرا؟
وقتی توان حل این همه مسئله را در خود نمی‌بینیم، به هم می‌ریزیم، از اینکه ما نمی‌توانیم این همه مسئله را حل کنیم. گاهی ورود می‌کنیم و می‌بینیم که یک مسئله‌ای در جایی نهادینه شده است و عمل‌نامی‌توانیم کاری کنیم.
کودک‌همسری را بیشتر در استان‌های جنوبی دیده‌اید؟

بله. فقر مطلق واقعاً آزاردهنده است. من اخیراً در رودبار جنوبی کرمان زوجی دیدم. از مرد پرسیدم کارتان چیست؟ گفت کار گرم. خب کار گر تعریفی دارد. در تهران افتاغنه به راحتی ماهی ۱۵- ۱۰میلیون تومان می‌گیرند. به او گفتم کار هست؟ گفت این هفته دو روز کار کردم. دست‌هایش را به من نشان داد، بر تاول بود. گفتم کار بلدی؟ گفت من موتور را کامل باز می‌کنم و می‌بندم. گفتم چقدر سرمایه می‌خواهی کارت را شروع کنی؟ گفت هشتاد میلیون تومان داشته باشم شروع می‌کنم. گفتم مگر می‌شود؟ گفت همسایه‌ها می‌دانند موتورسازم و در حیاط خانه می‌توانم کار کنم.

آدم‌هایی که ممکن است آن نبوغ و استعداد را داشته باشند اما فقر شدید فرصت بروز آن استعداد را از آنها گرفته است. اولویت پوشش خدمات شما قاعدتاً بر استان‌هایی است که محرومیت بیشتری دارند.

بله، همین طور است. برخی استان‌ها مثل گیلان و مازندران و نظایر آن وضع مالی بدی ندارند اما اولویت آنها ازدواج نیست.

یعنی بیشتر از اینکه مسائل مالی دخالت داشته باشد،



حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدباقر جلالی‌شاهکوه، مدیرعامل «مجمع ملی خیرین ازدواج» در گفت‌وگو با «جوان»:

استحاله فرهنگی بر ازدواج سایه افکنده است

بر آدوهای فرهنگی و روانی کار می‌کنند.

بله، همچنان که اشاره کردم گاهی مسئله مالی نیست. نقطه‌نظر و جهان‌بینی فرد است که او را به این سمت سوق می‌دهد که اصلاً دور و بر ازدواج را خط بکشد.

پس اینکه افراد را به لحاظ فرهنگی هم پوشش دهید و کار میدانی افتائی انجام شود، این اتفاق دارد می‌افتد؟

بله.

به چه شکل؟

گروه‌های مشاوره با بسیار قوی هستند. در اشاعه فرهنگ ازدواج کاری می‌کنیم و طرح‌خی هم به خانم خزعلی داده‌ایم که احتمالاً به فعالیت مشترک گسترده منجر شود.

ما الان در بحث نهادهای خیریه موضوعی که داریم این است که این مؤسسات قدری بدنام شده‌اند و مردم این تردید را دارند که آیا منابعی که اختصاص می‌دهند، واقعاً دست آن نیازمند می‌رسد یا نه، به جز انگشت‌شمار مؤسساتی که خوش‌نام هستند، احساس می‌کنیم در فرهنگ عامه ما، مردم خیلی به نهادهای واسطه‌ای خیر به‌اعتماد نمی‌کنند. خود شما چقدر این را لمس کرده‌اید. اینکه خیرین زیادی ممکن است دوست داشته باشند

در عین حال حلقه واسطه‌ای معتمد شما را می‌آیند؟
هر دو حالت اتفاق می‌افتد. در کار خیر نمی‌توانید منتظر باشید که دیگران شما را پیدا کنند. گاهی البته خیرین خودشان می‌آیند و ما را پیدا می‌کنند و خدمات‌شان را به صورت رایگان یا با تخفیف بالا در اختیارمان قرار می‌دهند. مواردی هم بوده‌است که خیرین مثلاً از خارج کشور از طریق فضای مجازی با ما آشنا شده‌اند اما قاطبه خیرین به واسطه تبلیغات دهان به دهان سراغ ما آمده‌اند. بخش قابل توجهی از خیرین به اعتبار شخصی به ما کمک می‌کنند، یعنی حتی ممکن است شناخت چندانی از نهاد ما نداشته باشند.

شما را می‌شناسند؟
به مرور شناختند. بعد به هم معرفی کردند و امروز خیرین زیادی هستند که به ما کمک می‌کنند.

زندگی خود شما از چه راهی می‌گذرد؟
من زندگی چندان مرفه‌نی ندارم. نه وسیله نقلیه مرفه‌نی دارم و نه خانه، مستأجرم.

ولی میلیارد‌ها تومان از زیر دست شما رد می‌شود.

با توجه به کار ما طبیعی است. تمام خواهر و برادرهای من وسیله نقلیه و خانه دارند. تنها کسی که در بین آنها نه وسیله نقلیه خوبی دارد و نه خانه‌ای، من هستم. خوداند شاید طوری زندگی ما را تعریف کرده که این طور پیش برود.

به نظرم برای کسانی که در این فضاها کار می‌کنند، جلب اعتماد مردم خیلی حیاتی و مهم است، یعنی مخاطب بفهمد این پول‌ها و منابع به شکل درستی هزینه می‌شود. شما در میدان هستتید و بی‌اعتمادی مردم به مؤسسه‌های خیریه را احتمالاً از نزدیک دیده‌اید.

البته من به مؤسسات خیریه بدبین نیستم. سعی کرده‌ام با کمیته‌امداد تفاهمنامه چندمیلیاردی امضا کنم، برای حدود ۴۰هزار زوج در دو سال. مقدمات تفاهمنامه طی شد اما در نهایت اعلام کردند خرید اجناس را باید خودمان انجام دهیم. من به ایشان گفتم بسیار خوب بخريد اما از این قیمتی که من می‌گویم باید پایین‌تر باشد. گفتند نه. اینجا به توقف خوردیم، در حالی که تمام

گفت‌وگو

آقایان وقتی در رأس کار قرار می‌گیرند با عقیده‌ای محکم در اوایل کار اعلام می‌کنند که ما از گزارش پرهیز می‌کنیم. ما دنبال این هستیم که کار انجام شود، نه اینکه تولید گزارش شود. بعد از مدتی می‌بینیم که کاملاً در همان مسیر سطحی‌نگری و وعده‌های توخالی هضم شده‌اند. تازه بعضی از این افراد به ما ایراد می‌گیرند که چرا در صنف می‌روید و کار اجرایی می‌کنید. شما فقط تئوری بدهید. خیلی از آسیب‌هایی که امروز در کشور می‌بینیم به خاطر این است که ما در حوزه اجرا کار نکرده‌ایم، بنابراین برخی فقط دوست دارند تئوری‌بافی کنند

امضاها و پاراف‌ها موجود است. ما تمام جلسات مقدماتی را پشت سر گذاشتیم، حتی آقای بختیاری ورود کرده بود ولی منتج به نتیجه نشد و کار متوقف شد. با این حال من به خدماتی که نهادهای خدماتی دولتی، از کمیته امداد، بنیاد برکت و ستاد فرمان حضرت امام و جاهای دیگر ارائه می‌کنند، بدبین نیستم. ما نهاد تجاری نیستم. شما امروز تمام اجناس ما را بخواهید ما به قیمت خرید، آنها را در اختیار شما قرار می‌دهیم. به قیمت کارخانه در اختیار شماست. ما بنگاه درآمذز نیستیم. بنگاه خیریه واقعی هستیم، البته شاید این نگاه از نظر برخی اشتباه باشد اما تا به امروز دنبال پشتوانه اقتصادی نرفته‌ایم. هر چه مردم به ما کمک کرده‌اند، ما این کمک‌ها را به گروه هدف رسانده‌ایم و اگر بنا به فعالیت اقتصادی باشد، خود مردم انجام می‌دهند. ما تا به امروز ایسن کار را نکرده‌ایم و بنگاه اقتصادی درآمذز نیستیم.

وابسته به خیر خاصی هم نیستید؟

اصلاً.

شما راجع به خاطره‌های تلخ گفتید که وقتی این حجم از فقر را در برخی استان‌های محروم می‌بینید، به هم می‌ریزید؛ اینکه فقر به قدری گسترده است که عمل‌نامی‌توانید کاری انجام دهید اما در همین فعالیت شما وجه روشنی هم وجود دارد. به سه حال حرکت به سمت خیر و واسطه‌شدن برای یک امر خیر خاطرات روشنی هم ایجاد می‌کند.

تمام فعالیت من با نهایت است. امروز درآمد یک تاکسیران اینترنتی از من بیشتر است. در حالی که من مدیرعامل یک مجمع در سطح ملی هستم، نه من که تمام همکارانم نگاهشان این طور است. احساس زنده بودن می‌کنیم. وقتی واسطه‌ای برای کاهش بارهای اجتماعی می‌شویم.

مجمع چند نفر نیرو دارد؟

در کل کشور حدود ۴۰۰-۳۰۰ نفر. ما با نهایت شادی کار می‌کنیم و شعار هم نداریم. من گاهی از نهادهای دولتی بابت وعده‌های تهی که به ملت می‌دهند، گل‌مند هستم. آقای رئیس‌جمهور را در سالروز ازدواج جشن فاطمه زهرا(س) و امیرالمؤمنین(ع) و هفته ازدواج به تالار وحدت آوردند. تیرماه دو سال قبل بود. فکر می‌کنم ۲هزار زوج در آن برنامه بودند. خب رئیس‌جمهوری که نمی‌تواند با آن همه مشغله، مطالعه وسیعی در این باره داشته باشد، اما مشاوران و افرادی که سکان ازدواج به دست آنهاست، مثل همین معاونت ازدواج وزارت ورزش در این باره نقش دارند. رئیس‌جمهور در آن مراسم سه وعده به زوجین کشور داد اما هیچ کدام از آن وعده‌ها اجرایی نشد.

آن وعده‌ها چه بود؟

دو وعده در ذهنم است. یکی این بود که تمام ادارات و نهادهای دولتی موظفند تالارهای‌شان را در اختیار زوجین قرار دهند. معلوم بود که این وعده شدنی نیست و خواهد شد، چون با یکسری ضوابط اداری منافی‌ت دارد. شما به همان ادارای که دستور دادید تالار‌ش را در اختیار مراسم قرار دهد، فردا همسان اداره را مواخذه می‌کنید که چرا آن حواشی پیش آمده‌است. وعده دوم این بود که وام ازدواج را ۱۰روزه می‌دهیم. دو سال از آن قول رئیس‌جمهور گذشته است و امروز آقای یاسین پور افتخاری می‌کند که صف وام از چهار ماه کمتر شده است. این درد ماست. من به عنوان یک بچه انقلاب مردم می‌گیرد؛ به عنوان کسی که جانش را برای این نظام کف دستش گذاشته و خواهد گذاشت. تعارف هم نداریم. ما انقلابی هستیم و خواهیم ماند.

چرا ما احساس می‌کنیم نهادهای دولتی ما افرادی که در این سازمان‌ها حضور دارند، بعد از مدتی در این جلسه‌ها و چارچوب‌ها و این صورتی‌اندیشی و صورتی‌عمل‌کردن‌ها هضم می‌شوند و به نوعی بی‌حسی و استحاله می‌رسند.

آقایان وقتی در رأس کار قرار می‌گیرند با عقیده‌ای محکم در اوایل کار اعلام می‌کنند که ما از گزارش پرهیز می‌کنیم. ما دنبال این هستیم که کار انجام شود، نه اینکه تولید گزارش شود. بعد از مدتی می‌بینیم که کاملاً در همان مسیر سطحی‌نگری و وعده‌های توخالی هضم شده‌اند. تازه بعضی از این افراد به ما ایراد می‌گیرند که چرا در صنف می‌روید و کار اجرایی می‌کنید. شما فقط تئوری بدهید. خیلی از آسیب‌هایی که امروز در کشور می‌بینیم به خاطر این است که ما در حوزه اجرا کار نکرده‌ایم، بنابراین برخی فقط دوست دارند تئوری‌بافی کنند. متأسفانه این نقطه ضعف وجود دارد. متصدی این کار در کشور، وزارت ورزش و جوانان است اما ما به شکل ملموس کار خاصی از این دوستان ندیده‌ایم. امیدواریم خیرین نگاه ویژه‌ای به ما داشته باشند و بتوانیم فعالیت‌های‌مان را از اضعف به ضغفاي جامعه تعمیم بدهیم و بتوانیم خدمات‌مان را گسترش و انگترش کنیم. خیلی از انجام دهیم و به همت خیرین این اتفاق خواهد افتاد. به هیچ وجه کار، کاری نیست که با یک نهاد یا افراد خاص بشود انجام داد، این کار همت همگانی می‌طلبد.